

## بررسی پیامدهای واقعه هفده شهریور و تأثیر آن در روند پیروزی انقلاب اسلامی

احمد لعبت فرد<sup>۱\*</sup>

طاهره ظفری<sup>۲</sup>

### چکیده

حوادث و رویدادهای بسیاری در فرایند انقلاب اسلامی رخ داده که معلول اراده ملت بوده و بر روند انقلاب تأثیر فراوانی داشته است، یکی از این حوادث واقعه هفده شهریور پنجاه و هفت است، که از مهمترین رخدادهاى این مقطع از تاریخ سیاسى معاصر ایران به شمار می‌رود، که هنوز تحلیلى منسجم پیرامون ارتباط و نتایج آن با انقلاب اسلامی انجام نشده است. بنابراین ضرورت انجام پژوهشى مستقل پیرامون موضوع واقعه هفده شهریور و پیامدهای آن، همچنان وجود دارد. این مقاله با استفاده از روش پژوهش‌های تاریخی مبتنی بر اسناد و مدارک آرشیوی، در صدد آن است که برای پرسش ذیل پاسخی مناسب بیابد و به بررسی و تبیین این موضوع و پرسش پردازد، از این رو علاوه بر بررسی و تبیین پیامدهای داخلی واقعه هفده شهریور به تبعات و تأثیرات آن بر روند پیروزی انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود. با توجه به یافته‌ها، این واقعه در ساختار سیاسی، اقتصادی و نظامی کشور دارای تأثیر بوده است و تزلزل در ارتش به‌عنوان مهمترین رکن قدرت رژیم پهلوی، گسترش اعتصابات، فلج شدن اقتصاد و تحکیم رهبری امام خمینی (ره) از مهمترین پیامدهای آن می‌باشد و بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش، این رویداد عامل تدوام مبارزات مردم و تسریع سقوط رژیم گردید.

**کلید واژه:** انقلاب اسلامی، امام خمینی، میدان ژاله، هفده شهریور، جمعه سیاه، اعتصابات.

**Email:** alobatfard@gmail.com

۱- دانش آموخته دکتری تاریخ و مدرس گروه معارف

اسلامی دانشگاه فرهنگیان یاسوج (نویسنده مسئول)

**Email:** Zafaryatahereh@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی

تاریخ پذیرش: ۹۷/۱۲/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۵/۱۸

## مقدمه

نهضت اسلامی مردم ایران از سال چهل و دو به رهبری امام خمینی (ره) آغاز گردید، پس از تبعید ایشان، فترتی در مبارزه حاصل شد، اما با چاپ مقاله احمد رشیدی مطلق در هفته دی در روزنامه اطلاعات که به امام خمینی (ره) و مقام روحانیت توهین شده بود و در پی آن قیام مردم قم در نوزده دی پنجاه و شش وارد مرحله‌ای اساسی شد. از سویی با فرا رسیدن ماه رمضان مصادف با شهریور پنجاه و هفت و برگزاری مجالس مذهبی به شیوه سنتی پس از افطار در مساجد زمینه‌ای برای طرح بحث‌های سیاسی- مذهبی فراهم گردید و در سیزدهم شهریور، تهران بزرگترین تظاهرات را تجربه کرد. با وجود اعلام ممنوعیت راهپیمایی از سوی رژیم، در روز شانزده شهریور نیز در اعتراض به کشتار رژیم راهپیمایی بزرگی برپا، از آنجا وعده تظاهرات هفته شهریور در میدان شهدا اعلام شد. شاه پس از مشورت با فرماندهان نظامی، پنجشنبه شب (شانزده شهریور) دستور حکومت نظامی صادر کرد. صبح روز هفده شهریور در حالی که اکثر مردم از اعلام حکومت نظامی بی‌خبر بودند، در میدان ژاله (شهدای فعلی) اجتماع کردند، تا راهپیمایی دیگری را ترتیب دهند اما با نظامیانی مواجه شدند که میدان و خیابان‌های اطراف را در محاصره خود داشتند، در این روز عده زیادی کشته شدند. رژیم تصور می‌کرد با سیاست سرکوب و روش قهرآمیز مبارزه انقلابی مردم را به حاشیه کشانده اما این سیاست نتیجه عکس به همراه داشت و مردم پس از کشتار هفده شهریور حاضر به هیچ‌گونه مصالحه‌ای با رژیم نشدند و علیه نظام به پا خواستند و مشروعیت رژیم را زیر پا گذاشتند. هرچند مدت کوتاهی در حدود یکی دو هفته وقفه‌ای در روند مبارزه پیش آمد، اما این وقفه مقدمه‌ای برای حرکات بعدی بود، که به پیروزی انقلاب انجامید.

واقعۀ هفده شهریور در شتاب بخشیدن روند پیروزی انقلاب نقش زیادی داشت، اما نسبت به اهمیت موضوع در این زمینه منابع بسیار اندکی وجود دارد و منابع تحقیقی پژوهشی کمتر به این موضوع پرداخته‌اند. با گذشت چهل سال از انقلاب هنوز ناگفته‌ها و ابهامات بسیاری در مورد این واقعه وجود دارد. هدف از این پژوهش بررسی پیامدهای این واقعه بر روند پیروزی انقلاب اسلامی و تا حد امکان روشن کردن ابهاماتی که در مورد خود واقعه وجود دارد.

این پژوهش درصدد است با بهره‌گیری از روش توصیفی- تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی و روزنامه‌های آن دوره به بررسی پیامدهای داخلی این واقعه و تأثیر آن بر روند انقلاب اسلامی بپردازد. از این رو این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است که واقعه هفده شهریور چه پیامدهایی در پی داشت و پیامدهای این واقعه چه تأثیری بر روند پیروزی انقلاب اسلامی داشته است؟ فرضیه اول بر این اساس است که این واقعه پیامدهای خارجی و داخلی متعددی به همراه داشته است و فرضیه دوم نیز پیامدهای این واقعه سبب تسریع در سقوط رژیم گردید.

### پیشینه پژوهش

در بررسی پیشینه موضوع، منابعی که به‌طور کامل و منسجم به بررسی پیامدهای این واقعه پرداخته باشد، یافت نشده است. البته به‌صورت پراکنده و کوتاه تقریباً در اکثر کتاب‌های راجع به انقلاب مطالبی یافت می‌شود. اثری را مرکز مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی به نام نشست تخصصی (هفده شهریور پنجاه و هفت: کالبدشکافی یک واقعه) که مجموعه چهار سخنرانی و سه مقاله در این زمینه است به چاپ رسانده است. پژوهش برجسته دیگر در زمینه هفده شهریور کتاب تاریخ شفاهی هفده شهریور که توسط محمد طحان نوشته شده است و توسط مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ شده است (ر.ک: طحان، ۱۳۸۶). ریشه‌های انقلاب اسلامی ایران و شرحی از هفده شهریور توسط یحیی نوری اثری دیگر در این زمینه می‌باشد. با توجه به اینکه نام یحیی نوری با واقعه هفده شهریور در پیوند می‌باشد، بنابراین این اثر به‌ویژه بخش شرح هفده شهریور آن ارزشمند و قابل توجه است. گام به گام با انقلاب نوشته اکبرخلیلی دیگر اثر در این زمینه است، اثری متقدم در زمینه هفده شهریور اما قضاوت‌های احساسی از ارزش کتاب کاسته است. تصمیم شوم دیگر اثر ارزشمند و سندی معتبر در زمینه واقعه هفده شهریور است، که مشروح مذاکرات شانزدهم و هجدهم شهریور کارگزاران و مقامات امنیتی کشور است و از روی اسناد موجود عیناً و بدون هیچ‌گونه دخل و تصرفی به رشته تحریر درآمده است.

اما در آثار ذکر شده کمتر از جنبه رویکرد اصلی پژوهش، تمرکز بر پیامدهایی واقعه هفده شهریور و تأثیر آن بر روند پیروزی انقلاب اسلامی توجه شده است، بنابراین استفاده از اسناد و روزنامه‌ها در اولویت قرار گرفته است. شماره‌های متعددی از روزنامه‌های اطلاعات، کیهان و رستاخیز سال پنجاه و هفت و همچنین اسناد منتشر نشده (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی) و اسناد منتشر شده (کتب اسنادی چاپی) پایه و اساس این پژوهش می‌باشد. بنابراین پژوهش حاضر از زوایای جدید و بر پایه اسناد معتبر صورت گرفته است و از این روی این پژوهش می‌تواند متفاوت از دیگر نوشته‌ها، پرتویی بر خلاء موجود در این زمینه بیفکند.

### واقعه هفده شهریور

برگزاری باشکوه نماز عیدفطر در روز سیزدهم شهریور و تظاهرات روز شانزدهم شهریور که بزرگترین گردهمایی در ایران بود، از یکسو خبرنگاران خارجی را به شگفتی و التهاب واداشت و از سوی دیگر سران رژیم را وحشت زده کرد و به فکر راه چاره انداخت (بازرگان، ۱۳۶۳: ۳۴). بعد از برگزاری راهپیمای شانزدهم شهریور و شعارهای شدید الحن بر علیه دولت، شاه به منظور جستجوی راه کار اساسی دستور تشکیل جلسه شورای امنیت ملی را صادر کرد و هیئت وزیران برقراری حکومت نظامی را تصویب کرد و در تهران و یازده شهر ایران مقررات حکومت نظامی برقرار و اعلامیه‌ای از طرف دولت برای اطلاع عموم صادر شود. اعلامیه فرمانداری نظامی تهران و حومه در حالی از رادیو خوانده می‌شود که گروه کثیری از مردم تهران به دنبال وعده‌ای که در پایان راهپیمایی روز گذشته، گذاشته شده بود «فردا، هشت صبح،

ژاله - فردا، هشت صبح، ژاله» به سوی این میدان به حرکت درآمدند و اطلاعی از برقراری حکومت نظامی در تهران نداشتند. شریف امامی وعده داد که اعلام حکومت نظامی صرفاً به منظور دستگیری محرکین و عوامل خارجی است و به هیچوجه به منظور مقابله با مردم نیست.

در روز جمعه هفده شهریور سربازان صبح از چهار طرف شمال، جنوب و مشرق و مغرب میدان ژاله را که مردم روز قبل اعلام کرده بودند در آنجا اجتماع خواهند کرد، محاصره کردند و روی پشت بامها موضع گرفتند، لوله‌های مسلسل‌ها را به طرف مردم نشانه رفتند و مردم بدون اعتنا به سربازان سرجای خود نشستند (خلیلی، ۱۳۷۵: ۱/ ۲۳-۲۲).

ساواک وقایع این روز را به این شرح گزارش می‌دهد: «از ساعت حدود ۸:۰۰ روز هفده شهریور، گروه‌های مختلفی از قشریون مذهبی که تعداد تقریبی آنها حدود ۲۵۰۰۰ نفر بوده از خیابان‌های فرح آباد، شهباز و میدان خراسان تهران به طرف میدان ژاله حرکت کرده‌اند». (انقلاب به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۱: ۴۴/۱۱) «از حدود ساعت پانزده عده‌ای از اخلاص گران در خیابان فرح آباد ژاله به توسعه اقدامات تخریبی مبادرت کرده... به طور کلی تظاهرات اخلاص گرایانه که از صبح روز هفده شهریور در تهران آغاز شد ابتدا در منطقه وسیعی از شرق تهران که مرکز آن میدان ژاله تهران بود، شروع و از این کانون به تدریج خیابان‌های دیگر از قسمت شرق را در بر گرفت...» (همان: ۴۷-۴۶).

خبرنگار روزنامه فیگارو که شاهد رویدادهای میدان شهدا بود درباره تظاهرکنندگان چنین می‌نویسد: «... در حالی که جدی و فریب دهنده اما کاملاً هوشیار و آگاه از ریسکی که در پیش دارند، آن هم بدون کوچکترین سلاحی و تنها با دست خالی...» (کیهان، ۱۳۳۹: ۱۸)

سولیوان می‌گوید: «به موجب گزارش شاهدان عینی نخستین برخورد و تیراندازی در خیابان‌هایی که منتهی به میدان می‌شد صورت گرفت. فرمانده نیروهای نظامی به کمک بلندگو به مردم اخطار می‌کرد که مقررات حکومت نظامی اعلام شده اجتماعات غیرقانونی است. فرمانده نظامی از تظاهرکنندگان خواست متفرق شوند ولی تظاهرکنندگان با داد و فریاد و شعارهای ضد دولتی به وی پاسخ دادند. در این میان عده‌ای از تظاهرکنندگان ظاهراً دانشجویان جوان بودند از وسط میدان به طرف سربازان حرکت کردند و سربازان هم آرایش جنگی به خود گرفتند برای متفرق کردن تظاهرکنندگان شروع به پیش‌روی نمودند بعد این صحنه چه اتفاقی افتاد روشن نیست. بعضی‌ها می‌گویند که جوانان تظاهرکننده به طرف سربازان حمله‌ور شدند و قصد گرفتن اسلحه آنها را داشتند برخی دیگر می‌گویند از طرف جمعیت سنگ و چوب به طرف سربازان پرتاب شد به دنبال این درگیری فرمانده نظامی به سربازان خود دستور آتش داد» (پارسونز و سولیوان، ۱۳۷۳: ۱۵۰-۱۴۹).

ابعاد واقعه این روز چنان گسترده بود که خود درباریان هم به وحشت افتادند، ثابتی در کتابش بیان می‌کند که: صبح روز هفده شهریور در حالی که زد و خورد در میدان ژاله ادامه داشت و من در دفتر خود در ساواک مشغول به کار بودم، آزمون وزیر مشاور در امور اجرایی به من تلفن کرد و گفت به من خبر دادند که مأمورین نظامی در میدان ژاله به جمعیت تیراندازی کردند و چند نفر کشته شده‌اند... سپس شروع به

گریستن کرد و در ادامه گفت: «بگویند که مأمورین تیراندازی نکنند و افزود، شریف امامی خیلی از این جریان ناراحت است» (ثابتی، ۱۳۹۰: ۴۵۳).

در مورد کشته‌های این روز با توجه به جو انقلاب از سوی هر دو طرف اغراق شده یعنی در گفتن آمار کشته‌ها افراط و تفریط شده بود. به هر حال کشته‌های هفده شهریور را حتی اگر کمترین رقم گفته شده یعنی پنجاه و هشت نفر را بپذیریم باز هم کشتن چند نفر انسان که در میان آنها کودک هم بود وحشتناک خواهد بود. البته اهمیت این روز نه به تعداد کشته‌ها بلکه به پیامدها و تأثیرات این واقعه می‌باشد.

### نتایج و پیامدهای داخلی

هر چند که یک روز بعد از واقعه هفده شهریور اوضاع به ظاهر آرام بود و مأموران دولت اوضاع را کنترل کردند و آثار آن روز را چنان پاک کردند که گویی هیچ اتفاقی رخ نداده است، اما حقیقت امر این است که این حادثه پیامدهایی داشت که رژیم هیچ‌گاه نتوانست آنها را محو کند و تا پایان عمر رژیم آثار آن وجود داشت. اگر چه در این روز مردم به لحاظ عملی سرکوب شدند، اما این حادثه سرآغاز تحولی بزرگ بود. علامه نوری در این زمینه می‌فرماید: «بزرگترین ضربه در هفده شهریور به دستگاه رژیم زده شد، یعنی ناگهان کاری که در طی شش سال باید طی شود، این شش سال را به شش ماه رساند و یک فاجعه‌ای به‌وجود آورد این فاجعه که چندین هزار نفر کشته و مجروح شدند یک کار کوچکی نبود که دنیا بتواند از آن بگذرد» (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۲۵۵۵، ۱۵).

فرح پهلوی نیز درباره این واقعه می‌نویسد: «مؤکداً بگویم حادثه هفده شهریور تیر خلاص را بر پیکر نحیف رژیم سلطنتی ما وارد آورد» (پهلوی، ۱۳۸۲: ۷۴۲).

اما گروهی دیگر از جمله داریوش همایون فکر می‌کردند، این اتفاق می‌توانست پایان جریان انقلاب باشد: «روزی که می‌بایست رژیم پیروز بشود بر شورش مذهبی، روز آغاز نابودیش شد آن روز اتفاق تأسف آوری افتاده است ولی این اتفاق می‌توانست پایان موج انقلابی باشد، برای اینکه اگر پیگیری شده بود محال بود کار به آنجاها بکشد. ولی کار تأسف‌آوری شد که اگر دنبال گرفته می‌شد یعنی امتیاز داده نمی‌شد و سران شورش را می‌گرفتند آن فقط یک شورش می‌ماند و تمام شده بود، حتی به ابعاد پانزده خرداد هم نمی‌رسید. حادثه‌ای که اعصاب شاه و رژیم را در هم شکست در واقع جمعه سیاه بود» (هوشنگ مهدوی، ۱۳۷۲: ۲۳۵). عمادالدین باقی هم بیان می‌کند: «دلیل اینکه امکان داشت هفده شهریور نقطه پایان بحران باشد این است که توده‌های مردم هنوز سیاسی نشده بودند. انقلاب به معنای واقعی هنگامی است که مردم با آگاهی و انگیزه‌های سیاسی خواستار تغییر رژیم می‌شوند. این حادثه پیش مرحله‌ی انقلاب بود نه خود انقلاب. اما هفده شهریور خودش جزء انقلاب شد. زیرا اگر چه انگیزه همه مردم سیاسی نبود اما مجموعه‌ای از عوامل آن را تبدیل به یک پیروزی و تداوم کرد» (باقی، ۱۳۷۱: ۲۴۵-۲۴۴).

## پیامدهای سیاسی

### برکناری هویدا از وزارت دربار

اولین تأثیر واقعه هفده شهریور در فردای این حادثه، یعنی در هجده شهریور و با استعفای هویدا از وزارت دربار شکل گرفت. هویدا مدعی بود، استعفایش به منظور اعتراض به خونریزی بوده است، اگر چه در هنگام استعفا به برخی از دوستانش اظهار داشته که برکناری او نتیجه دخالت مستقیم اردشیر زاهدی بوده که شاه را قانع کرد، با برکناری هویدا احتمالاً نوعی سازش با روحانیون میانه‌رو به وجود خواهد آمد (میلانی، ۱۳۸۰: ۳۷۰). طبق اسناد سازمان ساواک طی ملاقاتی که عباسی (داماد و نماینده آقای شریعتمداری) در تهران با منوچهر آزمون وزیر مشاور در امور اجرایی داشت ضمن برشمردن خواسته‌های شریعتمداری، خواستار برکناری هویدا از وزارت دربار شد (بی‌نا، ۱۳۸۴: ۵۵۱).

هویدا پس از برکناری از وزارت دربار عنوان کرد: «طبقه دولتی در ایران شکست خورده است. وی در پاسخ یکی از دوستانش که گفت: طبقه دولتی را دقیقاً چه کسانی تشکیل می‌دهند؟ خود شما رهبرش هستید نیستید؟ هویدا پاسخ داد: بله هستیم، همان‌طور که شاه است، این گروه شکست خورد و نابود است» (فرمانفرمایان، ۱۳۹۱: ۳۰۲). وی با این سخنان به شکست و نابودی رژیم اذعان کرد.

علاوه بر این، رژیم برای آرام کردن اوضاع به برکناری افرادی دیگر که از درباریان بودند، به‌عنوان سپر بلا دست زد. از جمله اکبر اعتماد رئیس سازمان انرژی و برنامه اتمی برکنار شد و سازمان او در وزارتخانه‌های دیگر ادغام شد. به دنبال این بازداشت‌ها گروهی دیگر تحت تعقیب قرار گرفتند. وزرای قبلی از جمله منصور روحانی وزیر کشاورزی و فریدون مهدوی وزیر سابق بازرگانی بدلائیل نامعینی دستگیر شدند. وزیر بهداشت سابق شجاع‌الدین شیخ‌الاسلام‌زاده به اتهام سوء استفاده دستگیر شد. روی هم رفته یک لیست صد نفره از کارمندان مورد سوءظن و تحت تعقیب تهیه شده است. شاه در مصاحبه‌اش با نیوزویک گفت که بی‌تردید صاحب منصبان دستگیر شده و به محاکمه کشیده خواهند شد (بی‌نا، گزارشی کوتاه از جمعه سیاه: ۹).

از طرف دیگر شاه با دادن امتیازاتی به مخالفین به منظور مرهم نهادن بر زخم‌های مردم ۱۴۰۰ زندانی سیاسی دیگر و از جمله برخی از طرفداران امام خمینی (ره) را مورد عفو قرار داد، قدرت ساواک را محدود کرد و به خانواده‌های قربانیان آتش‌سوزی سینما رکس و میدان ژاله وعده حمایت‌های بی‌شائبه مالی داد (میلانی، ۱۳۸۳: ۲۲۰). اما این تغییر چهره‌ها که پی در پی صورت می‌گرفت، تأثیری در آرام کردن اوضاع نداشت.

### تغییر در مشی و تداوم مبارزه با رژیم

تا پیش از هفده شهریور نهضت مردم بر مدار مسالمت بود و بیشتر مخالفان خواستار نابودی رژیم نبودند، بلکه «اجرای کامل قانون اساسی» را می‌خواستند و برای حذف سلطنت تلاش نمی‌کردند (پرهام، ۱۳۵۷: ۴۵). اما حادثه هفده شهریور هیجان عمومی را در مدار تازه‌ای به حرکت در آورد و جایی برای آشتی

نگذاشت و راه‌های بازگشت را بسته بود و اندیشه تجدید سلطنت مشروطه را ناممکن کرد و رژیم به تلخی دریافت که «توپ، تانک، مسلسل - دیگر اثر ندارد حکومت نظامی - دیگر ثمر ندارد» (پرهام، ۴۷-۴۶). واقعه هفده شهریور، هماهنگی بیشتری میان دیدگاه‌های شاخص‌ترین چهره حرکت انقلابی یعنی امام خمینی(ره) با روحانیونی مانند آیت‌الله شریعتمداری که پیش از این به پاره‌ای اصلاحات رضایت می‌دادند، به‌وجود آورد.

استمپل آورده است: «برای اولین بار مخالفین میانه‌رو ناصر میناچی، بازرگان و کریم سنجابی شروع کردند تا در تماس‌های خود با خارجیان مقیم تهران اخطار کنند که به نظر آنها مفهوم حوادث ژاله اینست که شاه باید برود و اگر آمریکا به همراهی خود با شاه ادامه دهد، «آمریکا به همین نحو لجن مال خواه شد» (استمپل، ۱۳۷۷: ۱۶۹).

بختیار بعد از واقعه هفده شهریور طی یک مصاحبه با خبرنگاران اظهار داشت که هر گونه آشتی و نزدیکی با دولت کنونی غیرممکن بوده و تنها از طریق تشکیل یک دولت موقت به کمک شخصیتی که قادر به جلب اعتماد ملت می‌باشد، میسر خواهد شد (بی‌نا، ۱۳۹۰: ۵۰۴). علاوه بر این وی اظهار داشت «آنهايي که هنوز تمایل به آشتی دارند باید بدانند که با این حمام خون دیگر آشتی امکان ندارد رژیم توفیق خود را برای از بین بردن شکاف با مخالفین از دست داده است ما همه مخالف ارتش هستیم ارتشی که بی‌رحمانه شلیک می‌کند و مردم بی‌گناه را می‌کشد» (همان، گزارشی کوتاه از جمعه سیاه: ۹). با وجود این سخنان وی بعد از گذشت چند ماه از این واقعه آخرین نخست وزیر پهلوی شد. آبراهامیان می‌نویسد: «جمعه سیاه امکان اصلاحات تدریجی و آرام را از بین برد و تنها یک راه حل ساده و روشن باقی گذاشت: یک انقلاب بنیادی یا یک ضد انقلاب نظامی، که ملت ایران راه حل انقلاب بنیادی را برگزیدند» (آبراهامیان، ۱۳۸۹: ۶۳۷).

دزموند هارنی<sup>۱</sup> در کتاب خاطراتش می‌نویسد: «نخستین روز حکومت نظامی (هجده شهریور) ترافیک روان است، اما شلیکی در کار نیست، ظاهر فریبنده اوضاع عادی. فرودگاه شلوغ نیست. تانک‌ها و سربازان دور میدان شهید (آزادی) و نگهبانان مسلح سر هر چهارراه اصلی مستقر شده‌اند. با این وجود بیشتر احتیاطی به نظر می‌رسند تا فعال» (هارنی، ۱۳۷۷: ۳۲-۳۱). روزنامه رستاخیز در تاریخ نوزده شهریور نوشت: «در دومین روز برقراری حکومت نظامی، تهران چهره‌ای نسبتاً آرام داشت و به جز چند مورد تظاهرات پراکنده و تعطیلی بازار، حادثه مهمی در سطح شهر روی نداد و مأموران انتظامی کنترل نظم را در دست داشتند» (بی‌نا، ۱۳۵۷: ۱). هارنی همچنین در گزارش روزانه‌اش مورخ بیست شهریور می‌نویسد: «جوی آکنده از وحشت و اضطراب است، که روی آن را لایه‌های از خوشحالی زورکی گرفته که «همه چیز به وضع سابق برمی‌گردد» یا اینکه «آب‌ها از آسیاب بیفتد اوضاع روبه راه می‌شود» سرعت خراب شدن اوضاع و شدت خشم مخالفان، تکان دهنده است (هارنی، ۱۳۷۷: ۳۲-۳۱).

۱. دزموند هارنی از وابستگان اطلاعاتی سفارت بریتانیا در ایران که تا مقطع پیروزی انقلاب در تهران اقامت داشت.

در روز نوزده شهریور مردم دسته دسته در قبرستان‌ها اجتماع می‌کنند. ازدحام مردم در «بهشت رضا» در مشهد و «قبرستان نور» در شیراز چشمگیر و خیره‌کننده است. اصفهان شهری که برای اولین بار در آن حکومت نظامی اعلام شد، در روز سوم شهدای هفده شهریور سه شهید و ده زخمی می‌دهد. این تظاهرات در روزهای بیست تا بیست و دو شهریور همچنان ادامه دارد. یزد، مشهد، ساری، قزوین، رشت، کرمان، فسا، جهرم، قم و ده‌ها شهر دیگر در این روزها صدها کشته و زخمی دادند (بی‌نا، ۱۳۵۷، ب، ۸). ماجرای میدان ژاله، شهر به شهر در ایران تأثیر می‌گذارد و خبرها شهر به شهر، مسجد به مسجد کشور را طی می‌کند (بالانشه، ۱۳۵۸: ۶۶-۶۵).

در بیست و شش شهریور زمین لرزه طبرستان<sup>۱</sup> به وقوع پیوست، که رژیم امیدوار بود، این حادثه توجهات را تا اندازه زیادی منحرف کند و شاه را از پریشانی آشکار بیرون آورد و اراده‌اش را تجدید کند، اما همین حادثه و عملیات نجات آن منجر به رقابتی میان دولت که «ناکارآمد و فاسد» لقب گرفته و روحانیت که خدماتش از مسجد هدایت می‌شود، گردید (هارنی: ۶۴).

آموزگار می‌نویسد: «که از ۱۷ شهریور به بعد بود که کارگران صنعتی شهری، کارمندان دولت و بازاریان به تدریج به صف مخالفان پیوستند. در این زمان تقریباً تمامی گروه‌های مخالف یک صدا خواستار کنار رفتن شاه شدند» (آموزگار، ۱۳۷۵: ۴۵۸-۴۵۷).

بر پایه اسناد ساواک و در یک بررسی تطبیقی از وقایع اول ماه رمضان (پانزده مرداد) تا برقراری حکومت نظامی (هفده شهریور) و از هفده شهریور تا سی شهریور آمده است، که تعداد تظاهرات از پانزده مرداد تا شانزده شهریور به مراتب بیشتر از هفده شهریور تا سی شهریور بوده است (آرشو مرکز اسناد انقلاب، ش. بازیابی ۴۹۹: ۴۱).

برپایی مراسم اربعین شهدای هفده شهریور در بعضی از شهرها از جمله در کرمان حادثه آفرید. مردم کرمان در حالی که برای بزرگداشت شهدای هفده شهریور تهران، گرد هم آمده بودند مأموران رژیم با طرحی از قبل با لباس‌های مبدل و تعدادی افراد اجیر شده به نام کولی، که چماق بدست بودند به مجلس حمله کردند (روح الامینی و شاهرخی، ۱۳۹۰: ۱۲۵). در این حادثه چهل و هشت نفر به شدت مجروح شدند (بی‌نا، ۱۳۵۷: ۲۱).

در مشهد تعطیلی عمومی و مجالس سوگواری برپا شد و کلیه مغازه‌های شهر حتی در نقاط دور دست هم تعطیل شدند و مأموران حکومت نظامی در نقاط مختلف شهر خصوصاً در خیابان‌ها منتهی به حرم مستقر شده بودند. آنها همچنین مانع نزدیک شدن مردم به منازل علما شدند با وجود این عده کثیری در صحن عتیق حرم، اجتماع و در حمایت از امام شعار دادند (شمس آبادی، ۱۳۸۸: ۳۸۴).

۱. ۲۵ شهریور ماه سال ۱۳۵۷ استان خراسان به وسیله‌ی یکی از بزرگترین زلزله‌های قرن اخیر ایران به لرزه درآمد و شهر تاریخی طبرستان با سابقه‌ی بیش از ۱۰۰۰ سال قدمت بکلی ویران شد. آمار رسمی در مهر ۵۷ از طرف مرکز آمار ایران تعداد جانباخته‌گان ۶۳۶۳ نفر اعلام شد.

در این میان رادیو بی‌بی‌سی جریان اطلاع‌رسانی دقیقی را از رویدادهای ایران آغاز کرده بود. اگر چه فضای باز سیاسی اعلام شده بود، ولی برنامه‌های تلویزیون و رادیو به اندازه بی‌بی‌سی در میان مردم اعتبار نداشت. انعکاس مداوم اخبار و رویدادهای ایران هزاران شنونده را به سوی این رادیو جلب کرده بود (عظیمی، ۱۳۸۸: ۳۴۷). در نهایت با ادامه مبارزات ملت ایران، رژیم پهلوی و نظام شاهنشاهی حدود پنج ماه پس از قیام تاریخی هفده شهریور سقوط کرد.

#### تضعیف روحیه شاه و عدم استفاده از قوه قهریه

قیام هفده شهریور چشم شاه را به روی حقایق باز کرد و توانست ملتی را ببیند که تا دیروز، مارکسیست، دشمن اصلاحات و یک عده خارجی خوانده می‌شدند. هیبت انقلاب شاه (انقلاب سفید) را بهت زده کرد و همانند سیلی سلطنتش را در معرض ویرانی قرار داد (طحان، ۱۳۸۶: ۱۲۴). شاه در مصاحبه‌ای با روزنامه اشترن در پاسخ سؤالی که مخالفان خواهان چه چیزهای هستند با این جواب که تروریست‌های آلمانی خواهان چه هستند؟ مخالفان دولت را تروریست معرفی کرد (بی‌نا، ۱۳۸۷: ۱۶۹). البته حتی بعد از هفده شهریور هم رئیس ساواک بیان می‌کند، که مدارک قطعی در زمینه دخالت‌های کمونیست‌ها بدست آورده که بر مبنای این اخبار کمونیست‌ها قصد در دست گرفتن حکومت را داشته‌اند و تمام بی‌نظمی‌ها و حوادث ناگوار اخیر در اثر دخالت آنها بوده است. لذا دولت ناچاراً مبادرت به برقراری حکومت نظامی کرده است (بی‌نا، ۱۳۸۳: ۹۲).

انصاری<sup>۱</sup> معتقد است، هفده شهریور شیرازه رژیم را از هم پاشید: «آن تظاهرات و برخورد در میدان ژاله و صدای گلوله‌ها و خونی که بر آسفالت خیابان‌ها ریخته شد، تازه شاه دانست که مردم علیه او هستند و این روحیه شاه را دگرگون کرد و حتی می‌شود این لغت را به کار برد که آن مرد با همه ابهت و قدرتی که به آن تظاهر می‌کرد یکسره شکست» وی می‌گوید «شاه بعد از این واقعه چنان در خود پیچید که حتی نمی‌خواست کسی، نام او را بر زبان بیاورد» (مسعود انصاری، ۱۳۸۸: ۳۶).

زاهدی بعد از واقعه هفده شهریور طی دو تماس تلفنی با شاه به ایشان یادآور می‌شود که خود را بر اوضاع مسلط نشان دهد و به دور از هر گونه تشویش و اضطراب به تصمیم‌گیری بپردازد. اینکه فردی که خارج از محفل درونی شاه به وی پند و اندرز می‌دهد و شاه نیز سراپا آن را گوش می‌کند، حکایت از تحولی شگرف در آینده داشت (گری سیک، ۱۳۸۴: ۹۹). نراقی نیز بیان می‌کند که: «شاه بعد از آن روز که کشتار میدان ژاله را از نزدیک دیده بود، در وحشت به سر می‌برد» (نراقی، ۱۳۸۵: ۲۰).

این واقعه چنان افکار شاه را بهم ریخت که قدرت هر گونه تجزیه و تحلیلی را از وی گرفت. یگانه<sup>۲</sup> در خاطراتش بیان می‌کند که: «در فردای این روز طبق هر شبه پیش شاه رفتم» در آنجا وضع ناراحت

۱. از خویشاوندان فرح دیبا و دوست نزدیک و مشاور مالی رضا پهلوی است که بعداً با وی دچار اختلاف مالی شد.

۲. محمد یگانه از دولتمردان حکومت پهلوی که مشاغل چون رئیس کل بانک مرکزی، وزارت آبادانی و مسکن (در سال ۱۳۴۸)، وزیر مشاور کابینه هویدا و وزارت دارایی دولت شریف امامی را عهده‌دار بود.

کننده‌ای دیده‌ام آن روز برعکس همیشه که شاه سر پا گزارش را می‌خواندند و نظرات خودشان را می‌گفتند ولی این دفعه شاه دستور دادند که: «بباید بنشینید». درباره اینکه چرا این وضع به وجود آمد؟ و اینکه چرا مردم مخالفاند و شعارهای مرگ بر شاه می‌گویند صحبت بکنید. وی حالت بسیار ناراحت کننده داشت بغض داشت و نتواست حرف بزند و اشک ریختند» (یگانه، ۱۳۸۴: ۱۰۹).

کسانی که در تماس مداوم با شاه بودند معتقدند که شاه پس از اتفاق میدان ژاله به کلی گیج و مبهوت شده بود و دیگر قدرت تصمیم‌گیری نداشت. به کلی افسرده، بی‌حال و متزلزل بود. شاه قبل از اینکه رژیمش سقوط کند خود از بین رفته بود. شاید این همه افسردگی شاه از این بود که تمام باورهای او در مورد عشق ملت ایران به پادشاهانش به یک باره فرو ریخته بود و یکی از سرچشمه‌های قدرت روانی خود یعنی مردم را از دست داده بود (عظیمی: ۳۵۵).

پس از هفده شهریور، به سربازان دستور داده شد، که از تیراندازی به طرف مردم خودداری شود، ماروین زونیس در کتابش می‌گوید: «پس از ماجرای میدان ژاله شاه از به کار بردن قوای قهریه علیه مردم ممانعت کرد. از آن پس شاه مرتباً استفاده از زور را حتی برای نجات سلسله پهلوی منع می‌کرد. سیاست عدم توسل به قوه قهریه در تمام دوران باقی مانده انقلاب حتی پس از صدور فرمان تشکیل دولت نظامی در اوایل نوامبر (آبان) ادامه یافت» (زونیس، ۱۳۷۰: ۴۹۳). بنابراین از روش‌های جایگزین برای مقابله با تظاهرات استفاده شد، بدین منظور تلاش‌هایی مبنی بر خرید وسایل و ابزارهای جدید ضد شورش و تعلیمات پلیسی در این زمینه آغاز گردید. سولیوان در این باره می‌نویسد «دولت آمریکا به دلیل مقررات کنگره درباره منع آموزش کارهای پلیسی به خارجی‌ان، نتوانست اقدامی مؤثر انجام دهد. در نتیجه به انگلیسی‌ها متوسل شدند و انگلستان هم یک هیئت کوچک پلیسی به ریاست یکی از کارشناسان مبارزه با شورش به تهران فرستاد» (سولیوان و پارسونز: ۱۵۶).

تأثیر آنی واقعی میدان ژاله به قدری شدید بود که شاه را برای اولین بار در تاریخ سلطنتش واداشت، تا در برنامه‌های تسلیحاتی خود تجدید نظر کند. در اواخر سپتامبر (شهریور) پیام‌هایی از سوی دولت ایران به سفارت آمریکا ارسال شد که از تصمیم شاه برای کاهش شدید خریدهای تسلیحاتی خبر می‌داد در همین زمان، ژنرال طوفانیان، مجری برنامه‌های تسلیحاتی شاه، طی دیداری با سولیوان گفت که مفاهیم مورد توجه شاه در هفته‌های اخیر عبارت بوده‌اند از: «صرفه‌جویی، کاهش دادن» محمدرضا شاه در راستای سیاست جدید خود، بیش از دویست میلیون دلار بودجه‌ی دفاعی کشور را به جبران خسارت اموال شخصی و عمومی در اثر شورش‌های اخیر و نیز پرداخت دیه به خانواده‌های افراد کشته شده در آتش سوزی سینما رکس اختصاص داد (گری سیک: ۱۰۱).

شاه در کتاب پاسخ به تاریخ چنین می‌نویسد: «امروزه بعضی‌ها مرا سرزنش می‌کنند که چرا با اعمال قدرت و شدت مقررات حکومت نظامی را اجرا نکردم و امنیت را به هر قیمت که شده به کشور باز نگرداندم... پاسخ من این است که سرزنش از وقوع حوادث کار دشواری نیست و یک پادشاه حق ندارد تاج و تخت خود را به قیمت ریختن خون هم مهبینانش حفظ کند. یک دیکتاتور می‌تواند حکومت را به نام

مرامی که مدافع آن است با خونریزی نگاه دارد، اما پادشاه یک دیکتاتور نیست. میان شاه و ملت پیوندی ناگسستنی وجود دارد یک پادشاه تاج و تخت را از دیگری به ارث برده و باید به فرزندانش انتقال دهد. من در این فکر بودم که پس از نیل به سطح مطلوبی از توسعه فرهنگی، صنعتی، کشاورزی و فنی تاج و تخت را به پسر من واگذار کنم» (پهلوی، ۱۳۸۰: ۴۰۵)؛ پس از خروج از ایران، در پاناما به دیوید فراست می‌گوید: «تاج و تخت را نمی‌توان بر شالوده نه چندان استوار خون پایه‌گذاری کرد. از ابتدا همیشه از مأمورینم خواهش می‌کردم که نکشید، نکشید، نکشید» (زونیس: ۴۹۵).

زاهدی نیز در خاطراتش بیان می‌کند: «اویسی سیاست کج‌دار و مریض شاه را غلط می‌دانست و راه حل خروج کشور از بحران را سرکوب همه جانبه و اعمال دیکتاتوری عنوان می‌کرد و بهترین راه را به دست گرفتن دولت توسط خود می‌دانست. اما شاه می‌ترسید که اویسی پس از در دست گرفتن قدرت دست به اعمال خشونت‌آمیز گسترده بزند و انتقاد و اعتراض جهانیان را دامن بزند» (زاهدی: ۳۲۳).

#### تبعید امام خمینی به پاریس و تحکیم رهبری ایشان

اگر چه در اوایل شهریور شریف امامی در مورد آیت‌الله خمینی (ره) اعلام کرده بود، بازگشت ایشان به ایران بلامانع است و پس از چهارده سال در هفت شهریور عکس آیت‌الله خمینی (ره) در روزنامه اطلاعات چاپ شد (همان: ۳۴۹). اما وقوع حادثه هفده شهریور رژیم را به تردید واداشت. امام خمینی (ره) پس از فاجعه هفده شهریور، پیامی به همین مناسبت برای هموطنان ایرانی فرستادند و در این پیام با محکوم نمودن اعمال وحشیانه رژیم، فرمودند: «... آری این چنین راه امیرمؤمنان علی (ع) و سرور شهیدان امام حسین (ع) است ای کاش «خمینی» در میان شما بود و در کنار شما در جبهه دفاع برای خدای تعالی کشته می‌شد». در ادامه به ارتش توصیه کردند که به مردم بپیوندند «به پاخیزید و نگذارید ملت شما نابود و برادران و خواهران شما به خاک و خون کشیده شوند. نام خود را در تاریخ که به سود ملت ایران به راه خود ادامه می‌دهد، هر چه زودتر ثبت کنید و ریشه خیانت و ظلم را بکنید» (خمینی، ۱۳۷۹: ۴۶۱-۴۵۹).

همچنین در پیامی دیگر خواستار کمک به مجروحین و مصدومین هفده شهریور و تأمین نیازهای اساسی (خون، دارو، غذا، کمک مالی و امکانات لازم) به آنها شدند. روحانیون به محض اطلاع از این پیام مبالغ زیادی برای کمک جمع‌آوری کردند (آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازبایی ۸۸۴: ۶).

در قضیه هفده شهریور برخلاف پانزده خرداد که ارتباط امام با مردم قطع شده بود، به واسطه آنکه امام از دسترس رژیم بیرون بود و امکان قطع ارتباط بین ایشان و مردم نبود، قدم به قدم جهت حرکت را مشخص می‌نمودند و مردم را به پایداری و استقامت فرا می‌خواندند. اعلامیه‌های امام خمینی (ره) با افزایش بی‌سابقه‌ای به ایران سرازیر می‌شد و مردم را تشویق به مقاومت و استواری در برابر سفاکی رژیم می‌کرد، شاه چاره را در این دیده که صدای امام را در عراق خاموش کند و از دولت عراق خواست امام را تحت فشار و محاصره قرار دهد. با این کار فکر می‌کردند از نفوذ امام بر حوادث ایران کاسته خواهد شد و باعث منزوی شدن او خواهد شد (آوری، ۱۳۸۸: ۳۳۹). زاهدی به نکته اشاره می‌کند که: «شریف امامی

گفت (آیت الله) خمینی چون یک رهبر مذهبی است در کشورهای اسلامی طرفدار زیادی دارد و دستش باز است اما در یک کشور اروپایی و مسیحی خود به خود محدود خواهد شد» (زاهدی، ۱۳۸۱: ۳۱۹).

اما تبعید امام از عراق به فرانسه برای رژیم نتیجه عکس داشت، زیرا مصاحبه‌های گوناگون با خبرگزاری‌ها و مطبوعات بین‌المللی، درج متن سخنرانی‌ها و اخبار نهضت در مطبوعات و نیز پخش این مطالب از شبکه‌های تلویزیونی فرانسه و سایر کشورهای غربی، موقعیت استثنایی و کم نظیری را برای تبیین و تبلیغ اهداف و استراتژی نهضت اسلامی ایران و جهانی کردن آن پدید آورد، امام خمینی(ره) در مدت توقف چهار ماهه پاریس در مقایسه با مدت چهارده ساله عراق به موفقیت‌های بیشتری دست یافت. ویژگی‌های کشور میزبان(فرانسه)، فضای مساعد برای فعالیت سیاسی، دسترسی به مطبوعات مستقل، امکان ارتباط آسان با ایران از طریق مختلف (تلفن، تلگراف، رفت و آمد مبارزان، ...)، بهره‌گیری از آموزه مجتهد- مقلد (مرجعیت)، مصاحبه‌ها، دیدارها و مذاکره‌های گوناگون و سایر عوامل دست به دست هم دادند و از این طریق نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی(ره) جنبه و بُعدی جهانی پیدا کرد (راعی گلوچه، ۱۳۸۴: ۳۸).

یکی دیگر از نتایج سیاسی واقعه هفده شهریور تحقق اتحاد و انسجام مردم تحت رهبری قاطعانه امام بود. جهت‌گیری سازش‌ناپذیر و در عین حال هوشمندانه و واقع بینانه آیت‌الله خمینی در پی این فاجعه او را به مقام یک رهبر انقلابی رساند. امام در موضع‌گیری جدید، ضمن نزدیک خواندن سرنگونی رژیم به مردم اعلام کردند، که کار و کسب و مشاغل خود را تعطیل و اعتصاب نمایند و با استفاده از اعتصاب مبارزه را ادامه دهند (قلی‌پور، ۱۳۸۲: ۲۰۱). هایزر در خاطراتش می‌نویسد: «هر قدر که شدت مبارزه امام خمینی(ره) بیشتر می‌شد، جمعیت در ایران ناآرام‌تر می‌شدند. او جنگی بدون اسلحه به راه انداخته، یعنی جنگ اعصاب به راه انداخته بود. مهمات او اعلامیه‌ها و نوارهای قاچاق بود. اسلحه او بلندگوهایی بودند که در مساجد نقاط مختلف ایران نصب می‌شدند» (هایزر، ۱۳۶۵: ۳۸).

### آغاز خروج خانواده پهلوی از کشور

واقعه هفده شهریور مشخص کرد، که روزهای پایانی عمر رژیم فرارسیده است و بسیاری از سران رژیم زمزمه خروج از کشور را آغاز کردند. اولین نفر در این میان اشرف بود، اشرف پهلوی بعد واقعه هفده شهریور به دستور برادرش (محمد رضا) کشور را ترک کرد. وی در خاطراتش در این باره بیان می‌کند:

«برادرم با اینکه سعی کرد خود را خونسرد نشان بدهد، فوق‌العاده مضطرب بود من از او پرسیدم چه می‌خواهد بکند؟ چقدر می‌توان به این وضع ادامه داد؟ شاه مستقیماً به سؤال من جواب نداد و به جای آن گفت: ماندن شما در این جا در این اوضاع و احوال مصلحت نیست. شما می‌دانید که چقدر سوژه برای حمله به رژیم به دست مخالفان داده‌اید. من فکر می‌کنم که بهتر است هر چه زودتر از ایران خارج شوید» من گفتم حاضر نیستم شما را تنها بگذارم. تا وقتی شما در این جا هستید من هم در کنار شما می‌مانم. اما برادرم برای اولین بار در زندگی ما، صدای خود را بر روی من بلند کرد و گفت: به شما می‌گویم که برای راحتی خیال من باید بروید بدین سان من ایران را ترک کردم...» (بی‌نا، ۱۳۷۸:

(۲۹۱۱).

ویلیام شوکراس در کتابش دلیل درخواست شاه از اشرف مینی بر خروج از کشور را این گونه بیان می‌کند؛ او میدل به مظهر فساد و زیادروی‌های خانواده سلطنتی شده بود (شوکراس، ۲۰۰۹: ۱۰). روز نوزده شهریور برخی از اعضای خاندان پهلوی نیز ایران را به سمت لندن ترک کردند، شمس، آقای پهلید، و تعدادی دیگر از همراهانشان وارد پاریس شدند. پرویز راجی در خاطراتش بیان می‌کند: «که از خود پرسیدم یعنی خروج خاندان سلطنتی شروع شده؟ راجی می‌گوید: محسن طیبی، که تازه از تهران آمده، به دیدنم آمد گفت والا حضرت اشرف فردا از تهران به پاریس می‌رود و حال هوای محافل درباری یأس و افسردگی کامل است وقتی گفت در کاخ والا حضرت در تهران مشغول پایین آوردن تابلوها و جمع کردن فرش‌ها بودند، دلم بی‌اختیار فرو ریخت» (راجی، ۱۳۸۱: ۲۹۰ - ۲۸۹).

#### شکست دولت آشتی ملی و روی کار آمدن ازهاری

پس از حادثه هفده شهریور شاه در تنگنا قرار گرفته بود و در جستجوی نخست وزیری بود، که بتواند اوضاع کشور را آرام کند. شریف امامی اعلام کرد: برای برطرف نمودن نارضایتی‌های عمومی به زمان نیاز دارد. وی در روز نوزده شهریور برنامه دولت خود را، ایجاد محیط امن و سالم برای برگزاری انتخابات، کاهش فشار مالیاتی بر طبقات کم درآمد و مناسب ساختن حقوق کارمندان دولت، اقدام به لغو سریع قوانین نامناسب، وفق همه برنامه‌ها با آداب مذهبی و ملی اعلام کرد (بی‌نا، ۱۳۵۷ الف: ۱)؛ و با آغاز اعتراضات گسترده مردم، دستور داد که تمام بحث‌های مجلس را در مورد دولت بدون کم و زیاد از رادیو و تلویزیون پخش کنند.

اما در جریان بحث رأی اعتماد به دولت بعضی از نمایندگان مجلس در مورد حوادث هفده شهریور به شدت انتقاد کردند و آن را نشانه عدم صلاحیت دولت شریف امامی برای اداره کشور دانستند. ولی شریف امامی هیچ توجهی به قضیه هفده شهریور نداشت. در سندی از ساواک در گزارشی از پرنیانفر، رئیس سازمان اطلاعات و امنیت تهران، بخشی از سخنان شریف امامی را که در مجلس اظهار کرده می‌آورد، ضمن انتقاد از این سخنان، بیان می‌کند که: «اکنون این سؤال برای عموم ملت ایران مطرح است که اگر این عده شایسته فرستادن درود به روان پاکشان و طلب مغفرت بودند چرا نیروهای نظامی و انتظامی بر روی آنها آتش گشوده‌اند شک نیست که این امر مورد بهره‌برداری تبلیغاتی قرار خواهد گرفت و در روحیه یگان‌های نظامی و انتظامی مؤثر خواهد افتاد» (بی‌نا، ۱۳۸۵: ۶۰۹).

شریف امامی در سخنرانی خود در مجلس سنا تأکید کرد که: «اضطراباً سر کار آمده و هنوز دقیقاً نمی‌داند که چه باید کرد» (همان: ۶۳۳). شریف امامی با این سخن عملاً ناتوانی خود را اذعان نمود. شاه وقتی تصمیم روی کار آوردن دولت نظامی را گرفت که حال هوای واشنگتن را خوب سنجیده بود. برژینسکی در پیامی به شاه گفت: هر اقدامی را که لازم می‌داند انجام دهد و کاملاً مطمئن باشد که دولت آمریکا از او «با تمام نیرو حمایت خواهد کرد» (لدین و سوئس، ۱۳۶۳: ۵۹). رئیس سرویس انگلستان (انتیلیجنت سرویس) در طی سخنانی بیان کرد که از هفته‌های پیش حکومت پهلوی زیاد راضی

نبودیم زیرا هرچه می‌خواستند می‌داد و وی در ادامه اظهاراتش بیان می‌کند: پس از تغییر حکومت (روی کار آمدن از هاری) ما نفس راحتی کشیدیم (پیشین: ۶۳۳).

با روی کار آمدن از هاری، شاه در پیامی به مردم اعلام نمود صدای انقلاب شما را شنیدم. پیام شاه که به صورت اعلامیه چاپ شده بود بین مردم پخش شد و عملاً نقطه ضعف را در روش سیاسی به مخالفان نشان داد و جای ضعف را برای دولت حکومت نظامی باقی گذاشت (خانجانی گلوندانی، ۱۳۷۹: ۹۵). امام در پاسخ به پیام شاه بیان کردند «شاه با روی کار آمدن دولت نظامی دست به توطئه دیگری زده است و آن اینکه از طرفی در پیشگاه خدا و ملت عذر و تقصیر می‌خواهد و اعتراف به اشتباهات و جنایات خویش در طول سلطنت ننگین می‌کند و از طرفی دیگر دولت نظامی‌اش با سرکوبی شدید و قتل‌ها و اعزام چماق به دست‌ها سر نیزه‌دارها و توپ و تانک‌ها بر ملت مظلوم می‌تازد و عزیزان ما را بیش از پیش به خاک خون می‌کشد».

دولت از هاری برای جلب رضایت مردم بعضی از مقامات مهم سابق رژیم مانند هویدا و نصیری را بازداشت کرد. از سوی دیگر برخی رهبران جبهه ملی مانند سنجابی و فروهر دستگیر شدند تا مخالفان نیز حساب کار خود را بکنند ولی از رهبران مذهبی که گردانندگان اصلی تظاهرات بودند کسی بازداشت نشد (اخوان مفرد، ۱۳۸۱: ۳۴). شاه امیدوار بود که با تشکیل دولت نظامی، جناح‌های چون جبهه ملی و نهضت آزادی را از سایرین جدا کند؛ ولی مبارزات مردم در طول ماه محرم تمام این اقدامات را نقش بر آب کرده و کار را به جایی رسانید که دولت‌های خارجی حامی شاه را مجبور به تفکر درباره‌ی حکومت منهای شاه کرد و در واقع حوادث این ماه پایان رژیم را برای همیشه رقم زد (خلیلی، ۱۳۸۸: ۳۹).

## پیامد اقتصادی

### اعتصابات و فلج شدن اقتصاد رژیم

هر چند قبل از واقعه هفده شهریور اعتصابات با هدف منافع صنفی و مالی و برای بهبود شرایط کسب و کار و افزایش دستمزدها وجود داشته است، ولی در اندک زمانی پس از هفده شهریور، اعتصابات به صورت سراسری و گسترده و با ماهیت سیاسی شکل گرفت. بازرگان آورده است؛ در طول بیست و پنج سال پس از کودتای ۲۸ مرداد، به طور نادر اعتصابات در کشور اتفاق افتاده بود و ساواک و شهربانی به شدت با آن برخورد کرده بودند. به طور خلاصه، در جزیره‌ی ثبات جایی برای اعتصاب که سمبل نارضایتی و آشوب تلقی می‌گردید، وجود نداشت (بازرگان: ۴۴). هفده شهریور ضربه سنگینی برای رژیم بود و روند انقلاب را شتاب بخشید، مردم بلافاصله قهر خود را به صورت گسترش اعتصابات نشان دادند و صنعت نفت در این موضوع پیشتاز بود (رنجبران و هاشمی، ۱۳۸۷: ۲۱-۱۹).

مسئولان رژیم طی جلسه‌ای در هجده شهریور تصمیم گرفتند جهت جلوگیری از بستن مغازه‌ها، اقداماتی انجام دهند از جمله اینکه هر مغازه‌ای که بی‌جهت تعطیل کند، پروانه کسب آنها باطل می‌شود.

(بی‌نا، ۱۳۸۱: ۱۰۱) نخستین موج اعتصاب در روز نوزده شهریور در پالایشگاه نفت تهران شروع شد و در کمتر از دو هفته به پالایشگاه عظیم آبادان رسید. اعتصاب کارگران و کارمندان صنعت نفت در سراسر کشور، یکی از ضربات مهلکی بود که اقتصاد کشور را فلج و حکومت شاه را متلاشی کرد. دولت تأیید کرد، تولید نفت خام از ۵/۳ میلیون بشکه در روز به ۱/۵ میلیون بشکه کاهش پیدا کرده و عملیات تصفیه نیز شدیداً کاهش یافته است، به سربازان دستور داده شد، تا برای جلوگیری از خرابکاری به تأسیسات نفت وارد شوند (هیگل، ۱۳۶۶: ۲۸۵). میشل فوکو چنین می نویسد: توقف پالایشگاه‌ها سرچشمه درآمد دولت را خشکانده و به بحران ایران بُعد جهانی داده است. شاه در چشم مشتریان ایران به چشم مانعی در راه دریافت سهمیه‌شان درآمده است (فوکو، ۱۳۵۷: ۴۵).

در پی اعتصاب کارکنان صنعت نفت، کارکنان تأسیسات راه آهن، شبکه‌های آب و برق و مهم‌تر از همه بانک ملی ایران درگیر در اعتصاب شدند. از آن پس روزی نگذشت که کارکنان یکی از دستگاه‌ها و تأسیسات دولتی به اعتصاب عمومی نپیوندند. همه نهادهای حکومت (جز قوای مسلح و ساواک و دربار و نخست‌وزیری) در زیر امواج پیاپی اعتصاب غرق شدند» (پرهام: ۵۲). شریف امامی مات و حیران در این میان نمی‌دانست چگونه از بن‌بست خارج گردد با هر اعتصابی وعده حقوق‌های بالاتر می‌داد و ناگزیر از قبول خواست اعتصابیون می‌شد، بلکه اعتصابات بشکند (شوکران: ۷۴۷).

با شروع مهر ماه و بازگشایی مدارس، دانش‌آموزان هم به‌صورت فشرده‌تری به صف مخالفان رژیم پیوستند. در پانزده مهرماه به دنبال اعتصاب‌های گسترده اعتصاب سراسری معلمان هم آغاز گردید و با گشایش دانشگاه‌ها، دانشجویان نیز به‌صورت یکپارچه به جنبش پیوستند و به علت حضور «گارد» در دانشگاه، کلاس‌های درس را تحریم کردند (سمیعی، ۱۳۶۷: ۱۳۰). در هفته دوم مهر تعدادی از مطبوعات به‌عنوان اعتراض به فشارهای دولت دست به اعتصابات زدند، که کمتر از ده روز ادامه داشت، اما چند روز بعد از روی کار آمدن ازهارى، اعتصابات بزرگ مطبوعات آغاز شد و تا روی کار آمدن بختیار ادامه داشت (محسنیان‌راد، ۱۳۷۵: ۲۰۲). در دهه آخر آبان دولت با رعب نظامی موفق به شکستن موقتی اعتصاب شد. رسیدن تولید نفت از کمتر از ۵۰۰ هزار بشکه در روز به ۴/۵ میلیون بشکه در اوایل آذر نشان از شکست ظاهری اعتصاب داشت. شاه در کتابش به این موضوع اشاره می‌کند: «در نخستین روزهای دولت ازهارى اعتصاب تا حد زیادی کاهش یافت و دستور اعتصاب عمومی که برای روز دوازدهم نوامبر از نوفل‌لوشاتو صادر شده بود با شکست مواجه شد» (پهلوی محمدرضا، ۱۳۸۰: ۴۰۳). گفته شاه اغراق آمیز است و اعتصابیون فقط به یک حمایت جدید و روحیه‌ای نو نیاز داشتند تا دوباره اعتصاب را از سر بگیرند. در این هنگام امام خمینی (ره) طی پیامی اعلام داشتند که «اینجانب از اعتصاب کنندگان در سراسر کشور تشکر می‌کنم و پشتیبانی خود از آنان را اعلام می‌نمایم و به خصوص از اعتصاب‌کنندگان نفت تقدیر می‌نمایم و اقدامات دولت نظامی غاصب و دادگاه‌های نظامی را در فشار به آنان برای شکستن اعتصاب تقبیح می‌نمایم و آنان را در جدیت برای هدر دادن ثروت ملت مسئول می‌شناسم و آنان را در این اقدام مخالف با مصالح کشور تحذیر می‌کنم» (خمینی: ۱۰۱).

پال هنت<sup>۱</sup> کشیش انگلیسی که در این ایام در اصفهان بود بیان می‌کند که طی مدت اعتصابات، خیابان‌ها به صورتی درآمد که گویی هر روز در آنها مراسم سوگواری بود. بازار اصفهان به خاطر تعطیلی مغازه‌ها سکوت کامل حکم فرما بود (هنت، ۱۳۶۵: ۲۹).

بازاریان هم که از آغاز جزو فعال‌ترین گروه‌ها بودند به اعتصابیون دیگر پیوستند، با گسترش دامنه اعتصابات آثار ضعف و دوگانگی در کار دولت بیشتر می‌شد. از یک طرف تهدید و سخت‌گیری و خشونت و از طرف دیگر تسلیم شدن به خواسته‌های انقلابیون و اعتصابیون بود. اعتصابات تا پیروزی انقلاب همچنان ادامه داشت، تا اینکه امام خمینی(ره) در بیست و هفت بهمن در پیامی از مردم خواستند تا اعتصابات را بشکنند و دوشنبه سرکار بروند. هر که بگوید اعتصاب باقی بماند خائن است (بی‌نا، ۱۳۵۷، ج: ۲).

## پیامد نظامی

### تزلزل در ارتش

ارتش یکی از سه پایه اصلی و ستون نگهدارنده و نهادی تأثیرگذار در توسعه قدرت دولتی بود و بخش عمده قدرت محمدرضا شاه از کانال نیروی نظامی به دست آمده بود. در سال سی و دو هنگامی که شاه در مبارزه با نخست‌وزیر وقت دکتر مصدق شکست خورد و به ایتالیا گریخت، این ارتش بود که با رهبری ژنرال زاهدی موجبات بازگشت او را به تخت و تاج فراهم کرد و از آن تاریخ به بعد نیروهای مسلح ایران بار دیگر به صورت عامل اصلی تثبیت قدرت و حکومت شاه درآمدند و تقویت و سازماندهی ارتش در کانون توجه شاه قرار گرفت (افراسیابی، ۱۳۶۴: ۵۱۷). ارتش ایران قبل از هر چیز تعلیم دیده بود که نسبت به شخص شاه وفادار باشد (در حقیقت ارتش در بخش مهمی از حیاتش چنین بود)، (هادیان، ۱۳۷۹: ۱۸۱).

اما بعد از واقعه هفده شهریور نیروی ارتش در رویارویی با مردم و تیراندازی دچار تردید شده، روزه روز بی‌حرکت‌تر می‌شود. میشل فوکو در این زمینه می‌نویسد: کار حکومت به جای رسیده است که در میان مردم گروه‌های آشوبگر می‌فرستد؛ اما آن‌هم به جای نرسیده است هرچه بحران نهایی نزدیک‌تر می‌شود توسل به سلاح ناممکن‌تر می‌شود (فوکو، ۱۳۵۷: ۴۴). سیروس پرهام نیز در کتابش به این نکته اشاره می‌کند که: «نخستین شکاف در حصار ظاهراً دژ رژیم، با کشته شدن یک سرگرد فرمانده به دست یک سرباز متمرده، آسیب‌پذیری قوای مسلح را نمایان ساخت» (پرهام: ۴۹).

از سویی حضور طولانی ارتش در خیابان‌ها برای مقابله با مردم از کارآمدی ارتش می‌کاست. فردوست طولانی شدن حضور ارتش در خیابان‌ها را کار اشتباهی می‌دانست، وی بیان می‌کرد که این کار باعث

۱. Pal Hent

خوگرفتن ارتش با مردم خواهد شد. فردوست همچنین مذهبی بودن حرکت و تظاهرات را که توده مردم با آن همراه بودن اشکال مهم دیگری می‌دانست که مقابله ارتش با مردم را دشوار می‌ساخت (فردوست، ۱۳۷۹: ۵۸۳). شاه در کتاب پاسخ به تاریخش درباره برخورد نظامیان می‌نویسد که: «سربازان در این ایام از خود خونسردی و حسن رفتار عجیبی نشان دادند و هرگز در مقام انتقام‌جویی به خاطر هم قطاران متعددشان که به دست آشوب‌گران کشته می‌شدند برنیامدند» (پهلوی محمدرضا: ۹۷).

سازمان چریک‌های فدای خلق در مصاحبه مطبوعاتی اعلام کرد: کلیه فرماندهان سابق ارتش باید در دادگاه خلق محاکمه شوند. سازمان چریک‌های فدای خلق از حوالی هفده شهریور اعلام کرده بود ارتش مزبور ضد خلقی به‌عنوان عامل عمده سرکوب نیروهای مترقی در ایران باید نابود گردد و تا هنگامی که یک ارتش خلقی متشکل از عناصری که متعلق به مردم هستند و در راه نابود کردن ارتش ضدخلقی مبارزه کردن و جنگیده‌اند، نباشد، امکان پیروزی و حفظ آن وجود ندارد (بی‌نا، ۱۳۵۷، ج: ۲). در حالی که روش و راهبرد امام با نظامیان، با روش سازمان‌های چریکی متفاوت بود. جمیز دفرونز در کتابش به این نکته اشاره می‌کند که راهبرد امام خمینی (ره) تفاوتی ریشه‌ای با حملات مسلحانه به ارتش از سوی فدائیان و مجاهدین خلق داشت. استدلال ایشان این بود که حمله به هر شخصی که لباس ارتشی دارد، باعث افزایش همبستگی در درون ارتش می‌شود و سقوط رژیم را به تأخیر می‌اندازد، بدین ترتیب امام ترجیح می‌داد به «حمله اخلاقی» علیه نیروهای مسلح ایران مبادرت کند (دفرونزو، ۱۳۷۹: ۸۰). لذا تاکتیک رهبری انقلاب در جلب و تحبيب سربازان و فتوای وی در دعوت آنان به فرار از ارتش و باب کردن شعار «ارتش برادر ماست، خمینی رهبر ماست» بود (باقی، ۱۳۸۲: ۲۸۹). چالز تیلی هم به این نکته اشاره می‌کند و این عامل را یکی از عوامل فروپاشی ارتش می‌داند: «تلاش‌های عمدی مخالفان سازمان یافته برای تضعیف روحیه نیروهای مسلح نقش زیادی در از بین بردن انسجام آنها داشت» (سمتی، ۱۳۷۹: ۸۶).

از هاری در جلسه شانزدهم شورای امنیت می‌گوید: «چرا پیغمبر ما فرمودند که مرتب قرآن بخوانید. برای اینکه تکرار هر چیز اثر می‌گذارد. اینها هم این موضوع را (سرباز چرا برادر می‌کشی) تکرار می‌کنند که اگر بنده بگویم اثری ندارد به مملکت به شاهی به حرفه‌ام خیانت کرده‌ام» (بی‌نا، ۱۳۷۶: ۲۱).

خبرگزاری‌های خارجی برادری و اخوت سربازان با مردم را افسانه‌ای می‌دانستند که در چند روز گذشته به حقیقت پیوسته بود. همین افسانه را باعث به‌وجود آمدن شایعاتی از قبیل وررود کماندوهای اسرائیلی و کشتار مردم در روز هفده شهریور توسط این کماندوها می‌دانند. که این خبرگزاری‌ها بیان کردند که علی‌رغم این حقایق مردانی که به مردم شلیک کردند را ایرانی می‌دانند (بی‌نا، گزارشی کوتاه از جمعه سیاه، ۸)، اما تدبیرهای رهبری انقلاب در پرهیز از درگیری با نیروهای نظامی و برخورد عاطفی با این نیرو به موازات جدایی سیاسی رهبران رژیم در اواخر عمر خود و تأثیر فرهنگ اسلامی و تبعیت ملی از اجتهاد دینی سبب شد ارتش وفاداری خود را به رژیم به نحو احسن به نمایش نگذارد و آخرین سنگر و امید رژیم متلاشی شود (رجبلو، ۱۳۷۹: ۲۸۱). همین عوامل باعث شد ارتش در مراحل نهایی انقلاب به‌طور فعالی در

فرآیند شورش‌های انقلابی مشارکت نکند و با درگیری نظامی با نیروهای گارد سلطنتی، پیروزی نهایی را ممکن سازند.

### نتیجه‌گیری

در مقاله حاضر، ابتدا به تبیین واقعه هفده شهریور، سپس، به تشریح پیامدهای سیاسی، اقتصادی و نظامی حاصل از آن پرداخته شد. به هر روی این واقعه نقطه عطفی در انقلاب اسلامی ایران شد، اگر چه شمار دقیق قربانیان در این روز هیچ‌گاه مشخص نگردید، لیکن آنچه قطع به یقین است اینکه در مورد تعداد کشته‌شدگان در این روز افراط و تفریط صورت گرفته است.

از یک طرف، این واقعه به ضرر رژیم تمام شد، با این کشتار نه تنها مردم آرام نگرفتند بلکه شدت و سرعت مبارزات گسترش یافت. از آن پس ناآرامی‌ها وارد مرحله جدیدی شد و اعتراض‌ها و راهپیمایی‌ها از شکل پراکنده و مقطعی به صورت مداوم و سازمان یافته ادامه یافت. شکل‌گیری اعتصابات گسترده و فراگیر سراسری ضربه سختی به اقتصاد دولت وارد نمود و در ارتش که یکی از پایه‌های اساسی قدرت شاه بود، تزلزل ایجاد کرد، چنان افکار شاه را بهم ریخت که قدرت هر گونه تجزیه و تحلیلی را از دست داد، یعنی بعد از این واقعه شاه عملاً سقوط کرد و شیرازه رژیم از هم پاشید.

از طرف دیگر، با این کشتار آشکار شد، که اقدامات دولت شریف امامی که ترکیبی از طرح‌های به اصطلاح آشتی‌جویانه و سرکوب بود، نه تنها نتیجه مطلوبی برای رژیم به بار نیاورد، بلکه بر دامنه بحران نیز افزود و شمارش معکوس سرنگونی رژیم آغاز شد. این واقعه اندیشه برگرداندن سلطنت مشروطه را آسیب پذیر کرد و امید کسانی را که به وعده‌های دولت آشتی ملی دل بسته بودند ناامید کرد و باعث تسریع سقوط رژیم و پیروزی انقلاب شد.

### منابع

- ابراهامیان، یرواند (۱۳۸۹)، *ایران بین دو انقلاب*، چ ۱۶، تهران: نی.
- اخوان مفرد، حمیدرضا (۱۳۸۱)، *ایدئولوژی انقلاب ایران*، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۲۵۵۵.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۴۹۹.
- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، شماره بازیابی ۸۸۴.
- استمپل، جان دی (۱۳۷۷)، *درون انقلاب ایران*، ترجمه منوچهر شجاعی، چاپ ۱، تهران: رسا.
- افراسیابی، بهرام (۱۳۶۴)، *ایران و تاریخ: از کودتا تا انقلاب*، چ ۱، تهران: زرین.

- آموزگار، جهانگیر (۱۳۷۵)، *فراز و فرو دودمان پهلوی*، ترجمه اردشیر لطفیان، تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- آوری، پیترا؛ همیکی، گاوین؛ چالز، ملویی (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران به روایت کمبریج: از رضاشاه تا انقلاب اسلامی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چ ۱، تهران: جامی.
- بازرگان، مهدی (۱۳۶۳)، *انقلاب ایران در دو حرکت*، چ ۳، تهران: مؤلف.
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۱)، *تولد یک انقلاب*، تهران: سرایی.
- باقی، عمادالدین (۱۳۸۲)، *بررسی انقلاب ایران (با درآمدی پیرامون انقلاب معاصر)*، چ ۲، تهران: سرایی.
- براهنی، رضا (۱۳۵۸)، *در انقلاب ایران چه شده است و چه خواهد شد*، چ ۱، بی‌جا، بی‌نا.
- بلانشه، پیر؛ بویر، کلر (۱۳۵۸)، *ایران انقلاب: به نام خدا*، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: سحاب کتاب.
- بی‌نا (۱۳۵۷) الف، روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۷۰۶.
- بی‌نا (۱۳۵۷) ب، روزنامه کیهان، شماره ۱۰۶۳۹، ۱۳۵۷/۱۱/۲۸.
- بی‌نا (۱۳۵۷) ج، روزنامه کیهان، شماره ۱۰۷۰۸، ۱۳۵۸/۶/۱۵.
- بی‌نا (۱۳۵۷) د، روزنامه رستاخیز، شماره ۱۰۱۰، ۱۳۵۷/۶/۱۶.
- بی‌نا (۱۳۵۷)، روزنامه کیهان، شماره ۱۳۲۳۹.
- بی‌نا (۱۳۷۶)، *تصمیم شوم: جمعه خونین (مشروح مذاکرات شورای امنیت ملی و هیئت دولت در ۱۶ شهریور و مشروح مذاکرات امنیت ملی در ۱۸ شهریور ۵۷)*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- بی‌نا (۱۳۸۱)، *انقلاب به روایت اسناد ساواک*، ج ۱۰ و ۱۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- بی‌نا (۱۳۸۳)، *امام خمینی در آینه اسناد (شهریانی)*، ج ۵، چ ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- بی‌نا (۱۳۸۴)، *رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک امیرعباس هویدا*، ج ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- بی‌نا (۱۳۸۷)، *روزشمار انقلاب اسلامی*، ج ۵، دفتر ادبیات انقلاب اسلامی، تهران: حوزه هنری.
- بی‌نا (۱۳۹۰)، *رجال عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک شاپور بختیار*، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات.
- پارسونز، آنتونی؛ سولیوان، ویلیام (۱۳۷۳)، *خاطرات دو سفیر*، ترجمه محمود طلوعی، تهران: علم.
- پرهام، سیروس (۱۳۵۷)، *انقلاب و مبانی رهبری امام خمینی*، تهران: امیر کبیر.
- پهلوی محمدرضا (۱۳۸۰)، *پاسخ به تاریخ*، به کوشش شهریار مامان، چ ۴، تهران: البرز.
- پهلوی، فرح (۱۳۸۲)، *دختر یتیم*، ج ۲، تهران: به‌آفرین.
- ثابتی، پرویز (۱۳۹۰)، *در دامگه حادثه (بررسی علل و عوامل حکومت شاهنشاهی)*، به کوشش عباس قانع‌فر، آمریکا: شرکت کتاب.
- خانجانی گلوندانی، حسین (۱۳۷۹)، *تاریخ رویداد ایران: خاطرات حسن خانجانی گلوندانی*، رشت: ناشر.
- خلیلی، اکبر (۱۳۷۵)، *گام با گام بالانقلاب*، ج ۱، چ ۱، تهران: حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.
- خلیلی، منصور (۱۳۸۸)، *محرم ۱۳۵۷ به روایت اسناد ساواک*، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- دفرنونزو، جمیز (۱۳۷۹)، *انقلاب اسلامی ایران از چشم اندازی نظری*، ترجمه حمیرا مشیر زاده، تهران: مرکز

بازشناسی اسلام و ایران.

- راجی، پرویز (۱۳۸۱)، در خدمت تخت طاووس، حسن کامشاد، تهران: طرح نو.
- راعی گلوچه، سجاد (۱۳۸۴)، «اشتباه بزرگ شریف امامی: نقش مهاجرت امام خمینی در سقوط رژیم پهلوی»، ماهنامه زمانه، ش ۴۲-۴۱،
- رجب‌لو، علی (۱۳۷۹)، «تأملی نظری بر مفهوم انقلاب»، در: عبدالوهاب فراستی، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، بی‌جا، معارف.
- رنجبران، مهدی و هاشمی، سیدعلی (۱۳۸۷)، تاریخ شفاهی کمیته‌های انقلاب اسلامی، چ ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- روح الامینی فاطمه؛ شاهرخی، سعید (۱۳۹۰)، انقلاب اسلامی در کرمان، چ ۱، کرمان: سازمان اسناد و کتابخانه ملی منطقه جنوب شرق کرمان.
- زاهدی، اردشیر (۱۳۸۱)، ۲۵ سال در کنار پادشاه: خاطرات اردشیر زاهدی، به کوشش ابوالفضل اتابای، تهران: عطای.
- زونیس، ماروین (۱۳۷۰)، شکست شاهانه، ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران: نور.
- سمتی، محمد هادی (۱۳۷۹)، «نظریه بسیج منابع و انقلاب اسلامی»، در: عبدالوهاب فراستی، رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)، تهران: معارف، ۱۳۸۹.
- سمیعی، احمد (۱۳۶۷)، سی و هفت سال، چ ۴، بی‌جا: شب‌اویز.
- شمس آبادی، حسن (۱۳۸۸)، «بررسی قیام ۱۷ شهریور در مشهد»، مجله ۱۵ خرداد، شماره ۲۰.
- شوکراس، ویلیام و همکاران (۲۰۰۹)، معماری شاه مات، ترجمه بهرام افراسیابی، هاروارد: اسناد مرکز مطالعات خاورمیانه و دانشگاه هاروارد.
- طحان، محمد (۱۳۸۶)، تاریخ شفاهی قیام هفده شهریور ۱۳۵۷، تهران: مرکز انقلاب اسناد اسلامی.
- عظیمی، بیتا (۱۳۸۸)، شاه در آینه شاه، تهران: نگاه معاصر.
- فردوست، حسین (۱۳۷۹)، ظهور و سقوط پهلوی، تهران: اطلاعات.
- فرمانفرمائیان، ابوالشیر (۱۳۹۱)، ریشه‌های تاریخی و حقوقی انقلاب اسلامی ایران، تهران: تالیا.
- فوکو، میشل (۱۳۵۷)، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ترجمه حسین معصومی همدانی، تهران: هرمس.
- قلی‌پور، جعفر (۱۳۸۲)، مواضع امام خمینی در برابر نظام سیاسی پهلوی و نهادهای آن، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- گری سیک (۱۳۸۴)، همه چیز فرو می‌ریزد، ترجمه علی بختیارزاده، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- لدین، مایکل؛ سوئس ویلیام (۱۳۶۳)، کارتر و سقوط شاه، ناصر ایرانی، چ ۳، تهران: امیرکبیر.
- محسنیان‌راد، مهدی (۱۳۷۵)، انقلاب مطبوعات و ارزش‌ها، چ ۱، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- مسعود انصاری، احمدعلی (۱۳۸۸)، پس از سقوط، خاطرات احمدعلی مسعود انصاری، چ ۷، تهران: مؤسسه پژوهش‌های سیاسی.

- موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۹)، *صحیفه امام*، ج ۳ و ۴، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی، تهران: عروج.
- میلانی، عباس (۱۳۸۰)، *ابوالهول ایرانی: امیر عباس هویدا و معمای انقلاب*، برگردان عبدالرضا هوشنگ مهدوی، چ ۱، تهران: پیکان.
- میلانی، محسن (۱۳۸۳)، *شکل‌گیری انقلاب اسلامی*، ترجمه مجتبی عطارزاده، چ ۳، تهران: گام نو.
- نراقی، احسان (۱۳۸۵)، *از کاخ تا زندان اوین*، ترجمه سعید آذری، چ ۶، تهران: رسا.
- نشست تخصصی ۱۷ شهریور: «کالبد شکافی یک واقعه» (۱۳۸۴)، سخنرانان: رخشنده اولادی، هدایت‌الله پهبودی، مهدی توکلی، عبدالمجید معادخواه، چ ۲، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های معاصر.
- هادیان، ناصر (۱۳۷۹)، «نظریه تدا اسکاچپول و انقلاب اسلامی ایران»، در: عبدالوهاب فراتی، رهیافت‌های نظری بر انقلاب (مجموعه مقالات)، بی‌جا، معارف، ۱۳۸۹.
- هارنی، دزمووند (۱۳۷۷)، *روحانی و شاه*، ترجمه کاوه باسمنجی و کاووس باسمنجی، تهران: کتابسرا.
- هایزر، رابرت (۱۳۶۵)، *مأموریت مخفی هایزر در تهران: خاطرات ژنرال هایزر*، ترجمه سید محمدحسین عادل، چ ۱، تهران: رسا.
- هنت، پال (۱۳۶۵)، *کشیش‌های انگلیسی در دوران انقلاب اسلامی*، ترجمه حسین ابوترابیان، چ ۲، تهران: اطلاعات.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۲)، *انقلاب ایران به روایت رادیو بی‌بی‌سی*، چ ۱، تهران: طرح نو.
- هیکل، محمدحسین (۱۳۶۶)، *ایران روایتی که ناکفته ماند*، تهران: الهام.
- یگانه، محمد (۱۳۸۴)، *خاطرات محمد یگانه*، به کوشش حبیب لاجوردی، مصاحبه‌کننده ضیاء صدقی، تهران: ثالث.